



این شماره تقدیم می‌شود به ساخت

شهید

سید مهدی جلادتی

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۷۶
پنجشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۵جبهه
انرژیکاری از اندیشکده نفت و انرژی
و گروه تحلیلی پتروپال

سرمقاله

مدیریت هوشمند تنگه هرمز

پایان عصر «استفاده رایگان» وبازپس‌گیری حاکمیت

رشد قیمت‌های لجستیکی در سایر گلوگاه‌ها، که به دلیل تغییرات جهانی به وجود آمده، نشان می‌دهد که قیمت امنیت در حال اصلاح شدن است. حرکت ایران، در مقام دفاع مشروع و در راستای این اصلاح ساختاری است. اکنون، هرمز دیگر نه یک «خیابان عمومی»، بلکه «ناموسِ استراتژیک» کشور است که استفاده از آن برای هر کس، پیامی متفاوت دارد. در نهایت، این اقدامات نشان می‌دهد که حاکمیت ملی، نه در کاغذهای بین‌المللی، بلکه در میدان عمل و کنترل عینی بر گلوگاه‌ها تعریف می‌شود. هرچه دشمن فشارهای خود را افزایش دهد، مدیریت این گلوگاه هوشمندتر و محدودکننده‌تر خواهد شد. ایران با این حرکت، معماری امنیت خلیج فارس را از وضعیتی که به نفع دشمن بود، به سمتی تغییر داده که منافع ملی و امنیت سرزمینی در صدر اولویت‌ها قرار گیرد. این پایان یک دوران است؛ دوران سکوت و رایگان‌بری در تنگه هرمز برای همیشه تمام شده است. ♦

بلکه اعمال مستقیم حق حاکمیت برای حفظ امنیت ملی است. اگر دشمن به دنبال استفاده از این مسیر است، باید بداند که این آبراهه دیگر «مفت» نیست؛ بلکه هزینه‌ای در ابعاد سیاسی و امنیتی دارد که باید پرداخته شود. این مدیریت هوشمند، در واقع یک اقدام ثبات‌بخش برای کل منطقه است. حضور بی‌محای ناوهای فرمانطقه‌ای در هرمز، همواره عامل اصلی تنش بوده است. مدیریت هوشمند ایران، حضور غیرمستولانه دشمن را محدود کرده و با ایجاد یک «منطقه ممنوعه امنیتی»، ریسک درگیری‌های تصادفی را کاهش می‌دهد. کشورهای دوست که به حاکمیت ایران احترام می‌گذارند، در این ساختار از امنیت تضمین‌شده بهره‌مند می‌شوند، در حالی که برای دشمنان، هرمز به یک مسیر پرهزینه، محدود و کاملاً تحت کنترل تبدیل شده است. تجربه اخیر ثابت کرد که جهان مدرن به جای تسلیم شدن در برابر اراده قدرت‌های بیگانه، به دنبال ابزارهای «بازدارندگی متناسب» است.

حق پیش‌فرض و رایگان برای همه نیست، بلکه یک «امتیاز مشروط» است که متناسب با رفتار کشورهای عبورکننده، تعیین می‌شود. ابعاد عددی این مدیریت هوشمند نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با هزینه ناچیز، برابزاری به ارزش روزانه ۲۰ میلیون بشکه نفت و فرآورده تسلط یافت. در حالی که ناوگان‌های کلاسیک دشمن برای حفظ امنیت خود در هرمز میلیاردها دلار هزینه می‌کنند، ایران با شبکه پهنای و گشتی خود، سیطره اطلاعاتی و عملیاتی را با هزینه‌ای کسری از یک درصد هزینه‌های آن‌ها تثبیت کرده است. این یعنی «اقتصاد امنیت»؛ جایی که بازدهی دفاعی به شدت ارتقا یافته و توان تحرک دشمن در حیط خلوت ایران به حداقل رسیده است. پیام این دکترین برای دشمنان صریح است: دوران دست‌درازی و تردد بی‌هزینه به پایان رسیده است. وقتی کشوری تحریم‌های ظالمانه را علیه ملت ایران وضع می‌کند، انتظار بهره‌مندی رایگان از گلوگاه حیاتی آن کشور، یک تناقض استراتژیک است. «ممنوعیت استفاده برای دشمنان»، نه یک تهدید،

♦ | تنگه هرمز، که برای دهه‌ها به‌عنوان یک آبراهه بین‌المللی آزاد تلقی می‌شد و کشتی‌های عبوری بدون پرداخت هزینه‌ای برای امنیت یا حفظ کریدور از آن بهره‌مند می‌شدند، اکنون با یک دکترین جدید روبه‌روست. ایران با پیاده‌سازی مدل «مدیریت هوشمند تنگه»، عملاً نقطه پایانی بر دوران «استفاده رایگان» گذاشته است. این اقدام نه یک عمل سلبی، بلکه بازپس‌گیری حق حاکمیت سرزمینی و راهبردی است که سال‌ها تحت فشار قدرت‌های فرمانطقه‌ای نادیده گرفته شده بود. از منظر حقوق حاکمیتی، هر کشوری بر آب‌های سرزمینی خود و مسیرهای راهبردی مجاور، حق کنترل و اعمال اراده دارد. تغییر پارادایم ایران در استفاده از پهنای و شناورهای گشتی، صرفاً یک قدرت‌نمایی نیست؛ بلکه ابزاری برای «شفاف‌سازی هزینه استفاده» است. کشتی‌هایی که سال‌ها سودهای کلان تجارت انرژی را از این مسیر به دست آورده بودند، اکنون باید هزینه واقعی «امنیت جاری در گلوگاه» را درک کنند. عبور از این تنگه، دیگر یک

تحولات بازار جهانی انرژی

سقوط تاریخی ذخایر نفت آمریکا در برابر قیمت‌های بنزین؛ بازار در تله پارادوکس

کشور از سال ۱۹۸۲ بی‌سابقه است. این افت شدید ذخایر، در کنار قیمت‌های بی‌سابقه بنزین که در ایالت‌های کالیفرنیا (۶.۱۶ دلار)، واشنگتن (۵.۷۰ دلار) و اورگون (۵.۳۰ دلار) کاملاً از کنترل خارج شده، نشان می‌دهد که فشار بر پالایشگاه‌های آمریکا برای تأمین بازار داخلی به نقطه بحرانی رسیده است. تقارن این دو خبر (کاهش قیمت‌های جهانی نفت در برابر تنگنای شدید ذخایر و قیمت خرده‌فروشی در آمریکا)، پارادوکسی فعلی بازار انرژی است که به نظر می‌رسد بیش از آنکه پایدار باشد، ناشی از التهابات شدید کوتاه‌مدت است.

در پی انتشار سیگنال‌های مثبت از سوی دونالد ترامپ پیرامون چشم‌انداز مذاکرات، بازارهای نفت شاهد یک اصلاح قیمتی لحظه‌ای بوده‌اند؛ به‌طوری که قیمت نفت خام برنت و WTI به ترتیب به سطح ۱۰۴ و ۹۷ دلار عقب‌نشینی کرده است. با این حال، تحلیل‌گران معتقدند این کاهش قیمت بیش از آنکه ناشی از رفع ریسک‌های بنیادین باشد، بازتابی از «انتظارات روانی» بازار به اخبار دیپلماتیک است. در همین حال، داده‌های خاویر بالاس از یک روند هشداردهنده در قلب انرژی آمریکا پرده برمی‌دارد: ذخایر نفت این کشور طی هفته گذشته ۱۷.۸ میلیون بشکه کاهش یافته که در تاریخ ثبت آمار این

زنجیره تأمین و تاب‌آوری صادرات

کوه مبارک؛ راهبرد ایران برای عبور از بن بست محاصره دریایی

دکترین مشخص در صنعت نفت ایران است: «تمرکززدایی از خارک». ایران با بهره‌گیری از جغرافیای سواحل جنوبی خود، عملاً در حال ایجاد یک شبکه صادراتی موازی است که وابستگی به مسیرهای سنتی و پرمخاطره را به حداقل می‌رساند. این رویکرد عملیاتی، پاسخی زیرساختی به ریسک‌های امنیتی منطقه است که به نظر می‌رسد محاسبات بازیگران مخالف را در تنگ کردن حلقه محاصره دریایی با چالش‌های جدی مواجه کرده است.

درحالی که تنش‌های دریایی در منطقه به اوج خود رسیده، داده‌های ویندوارد نشان‌دهنده یک تغییر استراتژیک در مبادی صادراتی ایران است. پایانه شناور «کوه مبارک» که تا نوامبر ۲۰۲۵ در وضعیت عملیاتی غیرفعال قرار داشت، در ۵ ماه اخیر به یکی از نقاط کلیدی بارگیری نفت سنگین تبدیل شده و توانسته ۶.۹ میلیون بشکه نفت را روانه بازارهای هدف کند. فعال‌سازی این پایانه در دریای عمان، در کنار مسیر جاسک که پیش‌تر گزارش شده بود، حاکی از یک

امنیت انرژی و پیامدهای اقتصادی جنگ

سایه جنگ بر آسمان تل آویو؛ زیان‌های سنگین ایرلاین‌العالم در سه‌ماهه اول ۲۰۲۶

در همین حال، فرماندهی مرکزی ایالات متحده (سنتکام) ادعای توقیف نفتکش «M/T Celestial Sea» با پرچم ایران در خلیج عمان را مطرح کرده است. این تحرک نظامی در حالی صورت می‌گیرد که اخبار پیشین حاکی از تلاش ایران برای افزایش صادرات از مبادی جدید بود. این تقابل در دریای عمان، نشان‌دهنده انتقال کانون اصطکاک از «تنگه هرمز» به پهنه وسیع‌تر «دریای عمان» است؛ جایی که کنترل بر جریان‌های تجاری و نفتکش‌ها، به ابزاری برای فشار مستقیم در فضای خاکستری میان جنگ و دیپلماسی تبدیل شده است.

نش‌های نظامی در منطقه خلیج فارس، هزینه‌های سنگینی را به بخش‌های اقتصادی رژیم صهیونیستی تحمیل کرده است. گزارش‌های مالی سه‌ماهه نخست ۲۰۲۶ نشان می‌دهد شرکت هواپیمایی «العالم»، به‌عنوان بزرگ‌ترین ایرلاین اسرائیل، با زیان خالص ۶۷ میلیون دلاری مواجه شده که عمده آن ناشی از خسارت مستقیم ۱۴۵ میلیون دلاری در پی جنگ با ایران است. این ارقام نشان‌دهنده ابعاد فرسایشی تقابل جاری است که نه تنها در حوزه‌های نظامی، بلکه در جریان‌های حیاتی اقتصاد غیرنظامی نیز نمایان شده است.

خبرخوان

● **نیروی دریایی سپاه: ۲۶ کشتی با هماهنگی نیرو دریایی سپاه عبور کردند**
فرماندهی نیروی دریایی سپاه: در شبانه روز گذشته ۲۶ فروند کشتی با هماهنگی و تأمین امنیت نیروی دریایی سپاه از تنگه هرمز عبور کردند.

● **کره جنوبی و عربستان نیز به نظم ایرانی تنگه هرمز پیوستند؟**
سه ابرنفتکش حامل ۶ میلیون بشکه نفت عربستان و عراق از تنگه هرمز عبور کرده و به سمت چین و کره جنوبی در حرکتند. این اولین حرکت قابل توجه نفت خام غیرایرانی از تنگه هرمز از زمان شروع جنگ است. این نفتکش‌ها از مسیر سنتی استفاده نکرده و از مسیر تعیین شده توسط ایران عبور کردند.

● **جنگ ایران در حال تأمین مالی روسیه برای جنگ اوکراین!**
درآمد نفتی روسیه در ماه مه به ۷۰۰ میلیارد روبل معادل ۹.۸ میلیارد دلار خواهد رسید. این رقم نسبت به پارسال ۳۹ درصد افزایش یافته، زیرا به دلیل جنگ ایران، قیمت جهانی نفت بیشتر شده و روسیه نیز معافیت تحریمی گرفته.

چند فاز از پارس جنوبی هدف قرار گرفته است؛ جایی که امروز فرزندان این سرزمین در صنعت نفت، شبانه‌روز برای جبران خسارت‌ها و بازگرداندن تولید در تلاش‌اند. در این میان، سهم ما ساده اما مؤثر است: کمی کمتر مصرف کنیم. کاهش دمای خانه‌ها، خاموش کردن وسایل گرمایشی در فضاهای بلااستفاده و توجه بیشتر به مصرف گاز یک اقدام کوچک از هر خانه، یک همراهی بزرگ برای کشور.

#یک شعله کمتر